



معرفی کتاب: «شکوفایی علم کلام در اسلام»

کتاب «شکوفایی علم کلام در اسلام» (۲) اثر یوزف فان اس (به آلمانی: Josef van Ess) (متولد ۱۹۳۴ در آخن)، اسلام‌شناس برجسته آلمانی و استاد بازنشسته دانشگاه توپینگن، در سال ۲۰۰۲ است.

کتاب «شکوفایی علم کلام در اسلام» (۲) اثر یوزف فان اس (به آلمانی: Josef van Ess) (متولد ۱۹۳۴ در آخن)، اسلام‌شناس برجسته آلمانی و استاد بازنشسته دانشگاه توپینگن، در سال ۲۰۰۲ است.

به گزارش خبرنگار مهر، کتاب «شکوفایی علم کلام در اسلام» (۲) اثر یوزف فان اس (به آلمانی: Josef van Ess) (متولد ۱۹۳۴ در آخن)، اسلام‌شناس برجسته آلمانی و استاد بازنشسته دانشگاه توپینگن، در سال ۲۰۰۲ است. نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند تا با تکیه به آراء و رویکردهای معتزلیان نخستین، مقدمات احیاء عقل دینی را فراهم نموده و بین عقل و وحی به عنوان دو عامل مهم فهم دینی، جمع نماید. هر چند دامنه اطلاعات او بسیار وسیع است، اما همچون اغلب اسلام پژوهان، نگاه از بیرون به معرفت اسلامی، سبب شده که او نتواند چنان که باید و شاید، آراء و اندیشه های خود را در از زبان معتزلیان تبیین کرده و به مقصود خود نائل شود. این کتاب تا کنون به زبان فارسی ترجمه نشده است و هم اکنون خانم «نگین یآوری» (۳) با موافقت مؤلف، کتاب را در دست ترجمه دارد.

در نوشتار زیر، که توسط «مرتضی هاشمی‌پور» ترجمه شده، «نگین یآوری» به نقد و بررسی اجمالی این کتاب پرداخته است.

فان اس در پیش‌گفتار کوتاه کتاب از گذشته به امروز پل می‌زند، و به شیوه‌ای پیش‌گویانه، به احیای کلام اسلامی، و به قریب احتمال، کلام معتزلی به عنوان تنها راه دفاع معقول در برابر ظهور تعصب و بنیادگرایی در جهان امروز اشاره می‌کند. اما در نتیجه‌گیری‌های پایان کتاب از این امیدواری‌ها نشانی نیست، و مؤلف با تأسف اعتراف می‌کند که امروز عقل و وحی همان قدر از هم جدا هستند که در عصر طلایی فعالیت معتزله، یعنی زمانی که «همه جا سخن از وحی بود، بدون آن که کسی در شناساندن آن و جا به جا کردن آن با عقل توفیقی پیدا کند» (ص ۱۹۰)

کتاب تا نیمه‌های فصل اول به معتزله اختصاص دارد که به عنوان متکلمانی درباری که تشبیه و جبرگرایی را مردود می‌دانستند، شناسانده می‌شوند. اما خواننده‌ی کتاب به جای تحلیل سیاست‌های پنهان در پس گفتگوهایی که له و علیه تشبیه و جبر در جریان بود، یک باره با این قضاوت قاطع نویسنده رو به رو می‌شود، که متکلمان با جبر و تشبیه مخالفت می‌کردند چون از آن «نفرت داشتند» (ص ۳۱)؛ بدون آنکه به تبیین‌های سیاسی و ایدئولوژیک همیلتون گیب (۵) که بیش از نیم قرن پیش، ولو به صورت ابتدایی، در کتاب مطالعاتی در تمدن اسلامی (۶) ارائه کرده بود، کوچک‌ترین اشاره‌ای بشود.

ابهامی زمانی بر کلّ مطلب سایه افکنده است. «پیش‌تر»، «بعداً»، «به زودی»، «در آغاز»، «پس از آن»، جای سال‌ها و قرن‌ها را گرفته‌اند. به گفته فان اس در پیش‌گفتار کتاب، رقابت میان فقها و متکلمان زمانی آغاز می‌شود «که هنوز برخی گزینه‌های تاریخی برایشان موجود بود. گزینه‌هایی که به تدریج محدودتر شد» (ص ۳). به عبارت دیگر متکلمان معتزلی فرصت تأثیر بر سیر تفکر اسلامی را قبل از افول نابهنگامش از دست دادند و جالب این که شکوفایی کلام اسلامی بر پررونق‌ترین دوره‌ی رشد آن مقدم است، زیرا که «این پدیده خیلی زود به اوج خود رسید؛ خلاق‌ترین دوره‌ی آن نه پس از طی دوران تکامل، بلکه خیلی پیش از آن، یعنی مقارن با ایامی بود که هنوز نشانه‌های کهولت و زوال نمایان شود» (ص ۴)، و خواننده کتاب که با موارد متعددی از ناهمخوانی تاریخ‌ها و شخصیت‌ها مواجه است، از آنچه می‌خواند نصیبی نمی‌برد. مثل اصم، متکلم بصری قرن هشتم میلادی [قرن دوم هجری]، که آرا و عقاید او بخش مهمی از کتاب را تشکیل می‌دهد و مکرراً در صفحات پیشین کتاب به آرای او استناد می‌شود، تنها در صفحه ۱۳۴ به خواننده معرفی می‌شود. غزالی، که شاید شناخته‌شده‌ترین متکلم مسلمان سده‌های میانه است، تنها کسی است که با تاریخ تولد و مرگ به هر دو تقویم مسیحی و اسلامی به خواننده معرفی می‌شود (ص ۳۹).

فصل مربوط به بدعت و تفرقه در اسلام، به استقرار اسلامی ارتدکس اختصاص دارد و نشان می‌دهد که فقدان تشکیلات رسمی مانع از بروز ست و رسمیت نبود. ادامه این فصل به گفتگوهایی اختصاص دارد که بین فرقه‌های مختلف مسلمان، به رغم ست اسلام ارتدکس، پا گرفته بود. بنابراین برخلاف آنچه که در بخش‌های دیگر می‌بینیم، به نظر نمی‌رسد عمر مفهوم مدارا در اسلام با از میان رفتن معتزله به پایان رسیده باشد.

فصل دوم کتاب به تاریخچه مباحثه بر سر تشبیه اختصاص دارد. در این فصل و فصل پیشین غیبت معتزله آشکارا به چشم

می‌خورد، در حالی که تأثیر عقاید و آرای آن‌ها در مخالفت با تشبیه و همدستی‌شان با خلفا در برقراری ست و دین رسمی در همه‌ی سرزمین‌های اسلامی، در همه‌ی این مباحثات آشکار است.

فصل سوم قول به جزء لایتجزی را در کلام اسلامی بررسی می‌کند، مبحثی که به هیچ روی محدود به معتزله نبوده و توجه متفکران اسلامی را به خود جلب کرده است.

فصل چهارم به تصویرهای آرمانی از گذشته اسلام و تلاش متفکران مسلمان برای سازش‌دادن تاریخ با این تصاویر آرمانی اختصاص دارد. فصل پنجم درباره‌ی رابطه‌ی علم و دین، فصل پایانی کتاب است و خلاصه‌ای است از چگونگی تکوین مفاهیم اساسی معتزلی که همیشه بر بحث مربوط به عقل و وحی در تفکر اسلامی مستولی بوده است.

دانش ستودنی مؤلف در تمام فصول کتاب آشکار است. اما متأسفانه جای یک چارچوب تحلیلی از عقاید و آرای متفکران و فیلسوفان که نامشان در کتاب آمده خالی است. اگر چه تمرکز بخش اعظم کتاب بر قرون هشتم و نهم میلادی است، اما در نتیجه‌گیری‌ها، اغلب به طور غیر انتقادی پای تحولات تاریخی معاصر هم به میان کشیده می‌شود. کتاب فان اس نه شبیه به آنچه کوئنتین اسکینر (۷) انجام داده، تفحصی است در تاریخچه‌ی اندیشه سیاسی در سده‌های میانه، به منظور برگرداندن افقی به جهان بینی معاصر، و نه تاریخ الهیات سیاسی اسلامی با تکیه بر مفاهیم اصلی و نقطه عطف‌های مؤثر در پیدایش زبان سیاسی و جریان‌های فکری در اسلام است، که نمونه‌ی خوب آن، کتاب کلاسیک ارنست کانتروویچ درباره تفکر سیاسی در مسیحیت است، با عنوان دو بدن پادشاه، (۸) بلکه روایت فشرده‌ی از نفس افتادن تدریجی عقلانیت اسلامی است، که به گمان فان اس، استیلای رادیکالیسم و افراط‌گرایی بر ذهن و ضمیر مسلمان امروز از تبعات آن است.

پی نوشت‌ها:

۱. اسلام شناس برجسته آلمانی. استاد بازنشسته دانشگاه توپینگن.

۲. The American Historical Review, Vol. ۱۱۲, Issue. ۲. Viewed April ۲۴, ۲۰۰۷.

۳. پژوهشگر مدعو در مؤسسه خاورمیانه، دانشگاه کلمبیا.

۴. H. A. R. Gibb.

۵. Studies on the Civilization of Islam, ۱۹۸۲, p. ۲۰۵.

۶. Quentin Skinner.

۷. Ernst Kantrowicz, The King's Two Bodies, ۱۹۵۲.

منبع نوشته: فصلنامه نقد کتاب ایران و اسلام، سال اول، شماره ۱ و ۲ بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۲۶۷-۲۷۰.